

سرمقاله

ریشه های اصلی جنگ افغانستان

محمد رضا هویدا

ریشه های داخلی بحران افغانستان بنهال نگاهداشته شده است. دولتمردان افغانستان به طور معمول از پذیرش مسئولیت های ادامه جنگ و ناامنی خود داری می کنند. فراقگنی های دولتمردان افغانستان بهانه ای است که برای اینکه علت های اصلی بحران را بیوشانند، تجارت بزرگ مافیای مواد مخدر، غصب زمین های دولتی، پولشویی، استخراج معادن کشور، تجارت غیر قانونی سلاح، جنگ های استخباراتی کشورهای منطقه، تلاش برای تسلط بر منابع طبیعی و... از جمله عوامل ادامه جنگ در افغانستان به شمار می روند. بدون در نظر داشت این عوامل، فهم جنگ و بحران افغانستان غیر ممکن است.

صدها میلیون دلار برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان به مصرف رسید، اما هیچ نشانه ای از کاهش کشت و قاچاق مواد مخدر به چشم نمی آید. در عوض، به خاطر آلوده شدن میلیونها افغان به مواد مخدر، مصرف داخلی کشور به شدت بالا رفته است. تصور اینکه هزاران معناد در مرکز شهر کابل تجمع کنند و مواد مخدر مورد نیازشان به راحتی تامین شود، بدون اینکه نیروهای امنیتی و پولیس در جریان باشد، ساده لوحانه خواهد بود. همان گونه که تصور مبارزه موثر با کشت و قاچاق مواد مخدر با وجود خلاء های امنیتی و قانونی در ولایاتی که کشت کوکنار در آن جریان دارد، نادرست است.

استفاده از پوشش اعتقادی و دین برای جنگ افغانستان یکی از شگردهای ظریفی است که برای مردم عادی استفاده می شود. در غیر آن، بر کسی پوشیده نیست که جنگ علیه دولت افغانستان و کشتار شهروندان مسلمان و متدین و محله بر مساجد و مدارس هیچ گونه توجیهی نمی تواند داشته باشد. کشیدن نقاب دین و استفاده از اعتقادات مردم برای قانع ساختن آنها برای جنگ مسلحانه علیه دولت، عمدتاً برای ننگ داشتن منابع اقتصادی و عواید کلانی است که از بابت کشت و قاچاق مواد مخدر و... به دست می آورند.

جالب این است که مقامات امنیتی دولت در گذشته، بارها هشدار داده اند که شماری از مقامات دولتی در ناامنی ها و گسترش قاچاق و کشت مواد مخدر دست دارند، و تهدید کرده بودند که لیست هایی دارند و آن لیست ها را به نشر خواهند رسانید. اما همه آن تهدیدها با سکوت همراه شدند و لیستی بیرون نیامد. در عین حال بسیاری کسانی که در هنگام ورود به افغانستان و تصدی پیست های دولتی، حتی پولی برای اجاره کردن یک خانه نداشتند، اما حالا هر کدام صاحب شرکت ها و خانه های مجلل و موترهای زره و دو و دستگناه عربی و طویلی هستند. بسیاری وکلا و سناتورانی که در ابتدای وجود شان در شورای ملی یک موتر عادی برای رفتن به ساختمان شورای ملی را نداشتند و اکنون هر کدام صاحب میلیونها دلار پس انداز در داخل و خارج از کشور هستند.

بحران افغانستان اگر ریشه های اعتقادی داشته باشد، باید در مدارس و دانشگاه ها و دارالافتاء ها حل و فصل گردد. ولی این بخش اعظم این بحران به خاطر تسلط بر منابع و منافع مادی است و به همین جهت نیز راه به جایی نمی برد. کشورهای خارجی نیز در این صورت به سادگی می توانند از باندهای مافیایی برای پیشبرد اهداف خود استفاده نمایند.

افغانستان برای بیرون رفتن از این بحران، بیش از هر چیزی به نگاهی ژرف به درون و عوامل درونی بحران را در کشور نیاز دارد. جنگی که بر سر منابع طبیعی از جمله معادن در گرفته است، جنگی که بر سر تسلط بر عواید گمرک ها در میان جناح ها جریان داشته است، جنگی بر سر عواید ناشی از قاچاق و کشت مواد مخدر در جریان است، از جمله عوامل اصلی جنگ در افغانستان است.

اینها می توانند در شکل گروه های مذهبی و مخالفت های مسلحانه با پشتوانه دینی و استفاده از احساسات مردم رخ بنمایند ولی حقیقت تلخ این است که عوامل اصلی ریشه در جاهایی دیگری دارند.

رابطه افغانستان و هند همواره مورد نگرانی پاکستان بوده است. پاکستان تحت نفوذش باقی بماند و که افغانستان به عنوان عقبه استراتژیک از این کشور به عنوان عقبه استراتژیک استفاده نماید. با این حال، وضعیت آنگونه نیست که پاکستان می خواهد. روابط افغانستان و هند عمیق تر می شود. جدا از روابط حکومت دو کشور مردم افغانستان نیز نگاه خوشبینانه نسبت به دولت و مردم هند پیدا نموده است. پروژه های همانند ساخت ساختمان پارلمان کشور، بند سلما، مرمت راه دلارام-زرنج و اجرای پروژه های خرد و بزرگ دیگر توسط هند منجر به تعمیق روابط دو کشور شده است. این روابط تا چه اندازه برای افغانستان سودمند است؟ آیا این روابط منجر به آوردن ثبات و صلح در کشور خواهد شد؟

هند یکی از بزرگترین حامیان حکومت افغانستان بعد از سقوط امارت اسلامی طالبان بوده است. اکنون کمک های هند به افغانستان به بیش از دو میلیارد دلار می رسد. کمک های هند به افغانستان منجر به نزدیکی دو کشور شد. حامد کرزی، همواره هند را یکی کشور خوب و دوست برای افغانستان می خواند و برعکس او پاکستان را همواره متهم به حمایت از گروه های مخالف مسلح دولت افغانستان می نمود. روابط افغانستان و پاکستان بر فراز و نشیب بود. روابط دو کشور در زمان حامد کرزی بر معیار هیچ اصولی تعریف نشده بود. روزی پاکستان برای ما کشور برادر و دوست بود و روزی دیگر دشمن.

زمانی که اشرف غنی قدرت سیاسی را به دست گرفت اما، تحول بنیادی در سیاست خارجی کشور رونما شد. اشرف غنی روابط با پاکستان را در اولویت سیاست خارجی حکومتش قرار داد. او به پاکستان سفر کرد و بعد از دیدار با نواز شریف، نخست وزیر پاکستان به دیدار رئیس ارتش پاکستان در مقر نظامی این کشور رفت. این مسئله نشان داد که رئیس جمهور به نقش پاکستان، ایالات متحده آمریکا و چین در سطح بالا در آوردن و ثبات و افغانستان واقف است. او برخلاف رئیس جمهور کرزی هند را در حاشیه قرار داد. هند هیچ نقش در سیاست غنی در آوردن صلح در افغانستان

نداشت. برخلاف حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین افغانستان که نیروهای امنیتی کشور را برای آموزش به هند می فرستاد به پاکستان فرستاد. پاکستان نیز از حضور اشرف غنی در اسلام آباد استقبال بی نظیر کرد. پیش بینی می شد که روابط دو کشور به مرور زمان بهبود یافته و در نهایت پاکستان حاضر به آوردن گروه طالبان به میز مذاکره شود. رئیس جمهور غنی قبل از سفر به پاکستان به چین سفر نموده بود و ظاهراً از مقامات چین خواسته بود که پاکستان را تشویق به آوردن صلح در افغانستان نماید. بعد از آن به ایالات متحده آمریکا سفر نمود. نتیجه این سفرها شکل دهی گفتگوی چهار جانبه صلح شد. چهار دور نشست چهار جانبه صلح میان افغانستان، پاکستان، ایالات متحده آمریکا و چین در سطح بالا برگزار شد. دور پنجم اما، با حضور نماینده های پایین رتبه افغانستان در اسلام آباد پاکستان دایر گردید. در آغاز نشست های

فراز و نشیب روابط ما با پاکستان

رحیم حمیدی



چهار جانبه، حکومت افغانستان خوشبین بود که پاکستان نقش مثبت بازی خواهد کرد اما، بعد از دو چهارم مقامات کابل خوش بینی خود را از دست داد. رئیس جمهور غنی اکنون راهی را می رود که قبل از او حامد کرزی پیموه بود. او همانند حامد کرزی، پاکستان را متهم به حمایت از گروه های مخالف مسلح دولت افغانستان می کند. نتیجه روابط کنونی حکومت افغانستان با پاکستان مشخص است. نتیجه آن ادامه جنگ در افغانستان است. بدون شک، این راه پاسخگو نیست. سیاست کنونی رئیس جمهور غنی آموزه شده است. اگر این سیاست پاسخگو می بود در دوران حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین جواب می داد. با این حال، سیاست اشرف غنی با حامد کرزی این تفاوت دارد که رئیس جمهور غنی در حال تلاش برای رهایی افغانستان از وابستگی به پاکستان است. بندر جاپهار و گسترش روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای

استراتژیک باشد در آن صورت سخت و دشوار است که ما به صلح و ثبات دست یابیم.

در هر صورت ما نیازمند آنیم تا مناسبات خود را با پاکستان چارچوب مند سازیم. روابط خود براساس اصول و معیار های مشخص تعریف نمایم. روابط ما نباید مقطعی تعریف گردد. امر مسلم آن است که ما قادر نیستیم که کشورهای همسایه خود را انتخاب کنیم. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم پاکستان یکی از کشورهای همسایه ماست. از این جهت، ضروری است که روابط ما با این کشور بر اساس اصول و معیار های مشخص و دراز مدت تعریف گردد. ما باید یک نوع تعادل در روابط خود میان هند و پاکستان به وجود آوریم. در وضعیت کنونی که ما پاکستان را متهم به حمایت از گروه های شورشی می کنیم و آمدن نخست وزیر هند به افغانستان با آب و تاب زیاد خوش آمدیدی می گویم مسلم است که موجب نگرانی مقامات اسلام آباد می شود. به همین خاطر، بهتر است که رئیس جمهور غنی همان سیاست اول خود را در قبال پاکستان دنبال نماید. تنها با روابط

حسنة با پاکستان امکان اجرایی شدن سیاست داخلی و منطقه ایی رئیس جمهور قابل اجرا است. بنابراین، ضرورت جدی در بازنگری سیاست خارجی افغانستان نسبت به پاکستان وجود دارد. زیرا، موفقیت ما در سیاست داخلی نسبت گسترده با سیاست خارجی ما با پاکستان دارد. در پایان این نوشتار باید متذکر شوم که اکنون رئیس جمهور غنی راهی را می پیماند که قبل از او حامد کرزی پیموه پیاننده جز ادامه جنگ در افغانستان در بی نداشت. بنابراین، بهتر آن است که رئیس جمهور غنی به پاکستان اولویت دهد و نگذار که این کشور منابع اجرای سیاست های داخلی و منطقه ایی اش شود. در غیر آن تلاش های او بی نتیجه خواهد ماند. زیرا، از یک طرف اگر ما آباد و بازسازی کنیم از طرف دیگر، گروه های شورشی و تند رو ویران می کند. ما نیازمند روابط نیکو با پاکستانیم تا بتوانیم به صلح و ثبات دست یابیم.

محیط زیست سالم؛ زندگی سالم!

مهدی مدبر

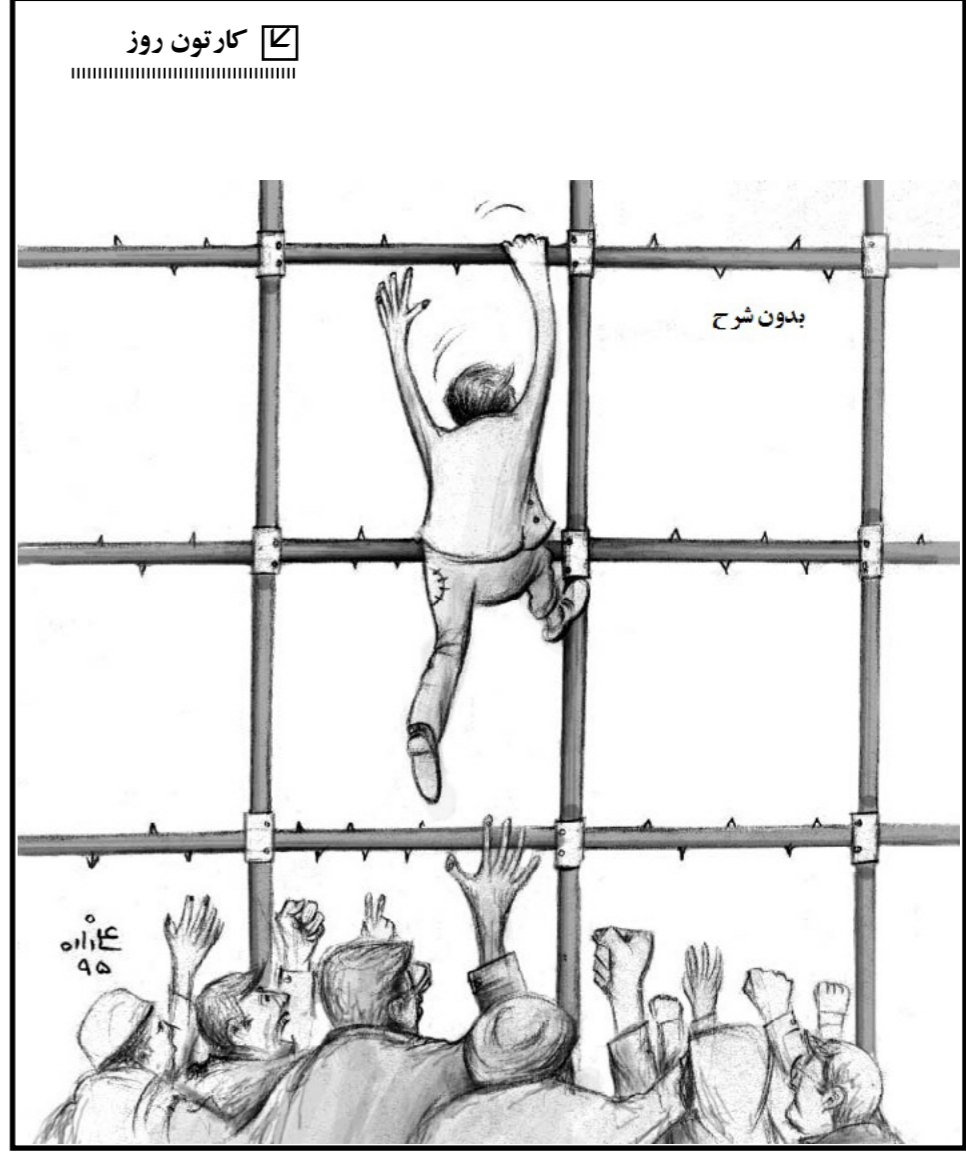


ما آشنا و غریب بود و به طبع آن، آنها نیز نگران طبیعت و محیط زیست خود نبودند. و بخصوص در شهر کابل، است. بنا به بعضی گزارش ها، هر شهروند کابل روزانه بطور متوسط ۴۰۰ گرم کثافت (زباله و فاضلاب) تولید می کند که با توجه به آمار تخمینی پنج میلیون جمعیت، روزانه بیش از ۲۰۰ تن کثافت تولید می شود. مقداری کمی از این زباله توسط کارکنان نظیف شهرداری کابل انتقال داده می شود و مقدار زیاد آن در سطح کشور انباشته و یا در هوا پراکنده می شود. یکی از دلایل انبار شدن زباله ها در شهر، افزایش جمعیت و عدم آگاهی مردم از فرهنگ شهر نشینی است. طبق آمارها تنها ۳ درصد از شهروندان کابل در پاکی شهر با شهرداری همکاری دارند. اکثر مردم به این عقیده اند که شهرداری موظف است که زباله های آنان را از خانه های شان جمع آوری نماید. اگر در جایی زباله دانی هم وجود داشته باشد مردم به جای انداختن زباله های شان در داخل زباله دانی، آنها را در اطراف زباله دانی ها می اندازند. این حال آموزش فرهنگ شهر نشینی یکی از موارد مهم برای کاهش مشکلات محیط زیستی و شهری است.

محیط زیست انتخاب کرده است. طبیعت و محیط زیست، یکی از موهبت های خداوند است و ادامه حیات انسان ها به آن وابسته است. آلودگی محیط زیست بر کیفیت و چرخه طبیعی زندگی انسان ها اثر می گذارد و پیامدهای زبان باری برای زندگی انسان ها، حیوانات، گیاهان و نباتات دارد. جهان امروز به سرعت رو به صنعتی شدن گذاشته است. رشد بی رویه صنعت همانگونه که پیوندهای انسانی و خانوادگی را با چالش های جدی مواجه کرده است و افسرده گی و روان رنجور را به انسان ها به ارمغان آورده است، آخرین روزنه های امید آنها را که جنگل ها و دشت های خرم و سرسبز باشد، نیز از بین برده است و به بجای آنها آسمان خراش ها و کارخانه های صنعتی را جایگزین کرده است. انسان ها با رشد صنعت و صنعتی شدن، اکنون میان دیوارهای بتونی و آهنی، دود و آلودگی های کارخانه های صنعتی زندگی می کنند و در حسرت تنفس هوای تازه و پاک هستند. احیای دوباره محیط زیست و جلوگیری از آلودگی بیشتری آن به معنای برگرداندن شادابی و طراوت به زندگی انسان ها خواهد بود و زندگی آنها را از آفتی که بر اثر صنعتی شدن دامنگیر شان شده است، نجات خواهد داد. در افغانستان متأسفانه آگاهی از محیط زیست و حفاظت از آن بسیار پایین است. عبارت «حفاظت از محیط زیست» در این چند سال اخیر کمی برای مردم ما آشنا شده است. تا چند سال پیش این عبارت برای بسیاری از شهروندان افغانستان

و محیط زیست ما هر روز بیشتر آلوده می شود. محیط زیست سالم یکی از حقوق طبیعی انسان ها است، اما تامین این حق طبیعی و داشتن محیط زیست سالم یکی از چالش های اساسی همه ی کشورهای جهان است. از گذشته های دور تاکنون انسان ها برای رسیدن به آسایش و راحتی بیشتر سعی در تصاحب منابع زمین کرده اند. هر قدر انسان ها به پیشرفت و ترقی بیشتری دست پیدا کرده اند به همان میزان نیز محیط زندگی خود را بیشتر آلوده کرده اند. طمع انسان ها همیشه باعث نابودی و از بین رفتن منابع طبیعی شده است. با وجود این، وقتی انسان متوجه شد که منابع طبیعی در حال تمام شدن است و خطرات ناشی از آلودگی محیط زیست هر روز بیشتر می گردد، از این رو به فکر محافظت از محیط زیست شد.

در سال ۱۹۷۲ سازمان ملل متحد برای اولین بار کنفرانسی را با موضوع «انسان و محیط زیست» در شهر استکهلم سویدن برگزار کرد. همزمان با برگزاری این کنفرانس مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه ی را تصویب کرد که منجر به تشکیل «برنامه محیط زیست سازمان ملل» (۱۹۷۲) شد. بعد از آن، روز جهانی محیط زیست از سوی برنامه محیط زیست سازمان ملل هر ساله در پنجم ماه جون تجلیل می گردد. آگاهی مردم برای نگهداری محیط زیست و تحریک سیاستمداران به گرفتن تصمیماتی برای روبرویی با تخریب محیط زیست و گونه های زیستی جانوری، به عنوان روز



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com